

بازشناخت «نامه نامی» اثری ناشناخته از خواندمیر

حمید رضایی* - محمدابراهیم ایرج‌پور**

زهرا نوربخش***

چکیده

ترسل یا شیوه نامه‌نگاری از گونه‌های مهم ادبیات منثور است که در دوره صفوی شکوه و رونقی تازه می‌یابد و آثار متعددی هم در این باره تألیف شده است. از این میان، نامه نامی اثر خواندمیر متوفی قرن دهم، دارای اهمیت والایی است و با این حال در بین متون سبک منشیانه کمتر به آن پرداخته شده است. این اثر مجموعه‌ای است از مراسلات و منشآت که آن‌ها را خواندمیر به عنوان دستور کتابت و انشا برای منشیان و مترسلان، از رسایل و مکاتبات رسمی و درباری پیشینیان جمع کرده است.

این اثر یکی از متون تاریخی دوران تیموری و آغاز دوران صفوی است و علاوه بر داشتن جنبه ادبی، از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت است. نثر این کتاب نمونه زیبایی از نثر منشیانه و مسجع فارسی است.

واژه‌های کلیدی

خواندمیر، نامه نامی، منشآت، عصر صفوی، نسخه خطی.

مقدمه

ادب فارسی درخت تنومند ریشه‌دار پر برگ و باری است که یکی از شاخه‌های گران‌سنگ آن، ترسل و انشاست. ترسل و انشا به لحاظ ادبی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخی از اهمیت شایانی برخوردار بوده است. این قسم از اقسام نثر در ایران پیش از اسلام با شرایط و فنون خاص خود شهرت و رواج تمام یافته، در فن نثرنویسی ارزش و مرتبتی خاص داشته، قواعد و مختصات آن از طریق ترجمه، به طور مستقیم یا غیر مستقیم در دواوین خلفا

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور h.rezaie@chbpnu.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسؤول) irajpour@bg.isfpnu.ac.ir

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور Na.noorbakhsh@yahoo.com

اثرگذار بوده و در تکامل مکاتیب و ترسلات زبان عربی و فارسی سهمی به سزا داشته است. از نامه‌های باقی مانده دوره ساسانیان به زبان پهلوی و یا ترجمه آنها به زبان عربی می‌توان به «عهد اردشیر» و «مکتوب انوشیروان» و مهم‌ترین آنها «نامه تنسر» اشاره کرد (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۸۶). قدیمی‌ترین مجموعه منشآت فارسی مربوط به دو دبیر عالی‌مقام اواسط قرن ششم هجری است که منشآت خود را تألیف کردند. یکی رشید الدین وطواط، دبیر خوارزمشاهیان، و دیگری همکار معاصر او، منتجب الدین بدیع اتابک جوینی منشی، صاحب دیوان انشای سلطان سنجر که اولین کتاب مستقل منشآت فارسی، عتبه‌الکتابه، به دست او نوشته شد. این هر دو دبیر در شیوه انشا از مترسلان عربی اثر پذیرفتند (شمشیرگرها، ۱۳۸۹: ۷۲). می‌توان گفت دوره سلجوقیان، خوارزمشاهیان و ایلخانان مغول به دلیل وجود آثار فراوان در زمینه انشا مهم‌ترین دوره منشآت نویسی در زبان فارسی و دوره ترقی و رواج ترسل و انشای فارسی است (وطواط، ۱۳۳۸: ۷۹). از میان آثار متعدد در زمینه ترسل و انشا در دوران تیموری و صفوی می‌توان به منشآت معین الدین محمد زمچی اسفزاری، جوامع الانشای حسین هروی، منشأ الانشای عبدالواسع نظامی باخرزی، منشآت بیانی شهاب الدین عبدالله کرمانی، منشآت جامی، رقعات امیر علیشیر نوایی و نامه نامی خواندمیر اشاره کرد. در این میان، نامه نامی نیز مانند آثار نامبرده دارای اهمیت والایی است که در بین متون سبک منشایانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و تاکنون به صورت نسخه خطی باقی مانده است. «نامه نامی، نام مجموعه ای است از مراسلات و منشآت که آنها را خواندمیر به عنوان دستور کتابت و انشا، جهت منشیان و مترسلان، از رسایل و مکاتیب رسمی درباری پیشینیان جمع آورده است» (نوایی، ۱۳۷۹: ۲۷).

این اثر از یک دیباجه، نه فصل و در هر فصل از چندین بخش تشکیل شده که از نام فصل با عنوان سطر و از نام بخش با عنوان لفظ یاد شده است. نامه‌ها، براساس سبک تیموری، از نثر متکلفانه دور شده و به سادگی و روانی معطوف است. علی‌رغم این، قسمت‌هایی از متن گاهی به نثر فنی و مزین نزدیک شده و گاهی ساده و بی‌پیرایه نوشته شده است. خواندمیر در بیان مسائل و رویدادهای تاریخی نثری ساده و روان دارد اما در مدخل نامه‌ها و مناشیر و فتح نامه‌ها تا آنجا که توانسته است استعارات، کنایات و تشبیهات نغز و دلکش را به کار گرفته و از آیات، احادیث، اشعار فارسی و عربی و ضرب‌المثل‌ها بهره برده است. تعداد اشعار عربی که در متن نامه نامی به کار رفته است، نسبت به بیشتر متون ترسل همچون کتاب دستور الکاتب بسیار کمتر است (ر.ک. نخجوانی، ۱۳۹۰: ۲۲). همچنین به کار بردن جملات مسجع و آهنگین، جناس و تنسیق الصفات و مترادفات نیز بر زیبایی آن افزوده است.

این اثر از جنبه تاریخی دارای اهمیت است زیرا مسائل تاریخی که خواندمیر در این اثر به آن‌ها پرداخته است، خود می‌تواند روشنگر برخی مسائل تاریخی عصر نویسنده باشد. از آنجا که وی از منشیان دربار سلاطینی چون سلطان حسین بایقرا و فرزندان او، اطلاعاتی بوده، اطلاعات وی در این کتاب منبع موثق و قابل اطمینانی است. از جمله نکات مهم این کتاب، اشاره به نامه‌هایی درباره کمال الدین بهزاد، از معروف‌ترین نقاشان دوره تیموری و صفوی است چنان که یکی از این نامه‌ها درباره واگذاری مقام کلانتری کتابخانه همایونی به بهزاد است و اطلاعات مهمی را در اختیار خواننده می‌گذارد (آریان، ۱۳۶۲: ۷۴). بخش دیگری از این اثر، ذکر تعدادی ماده تاریخ است که زمان دقیق برخی وقایع مهم تاریخی و نیز تولد و وفات برخی از شخصیت‌های برجسته آن روزگار را مشخص می‌کند.

در این مقاله کوشش شده است، ضمن بازشناسی کامل نامه نامی و ارزش و اهمیت آن، به زندگی خواندمیر نیز به طور

دقیق پرداخته شود؛ به ویژه از آن رو که با توجه به شهرت خواندمیر تا کنون زندگی نامه کاملی از او فراهم نیامده است.

پیشینه تحقیق

نامه نامی با وجود اهمیت بسیاری که در فن ترسل دارد، تاکنون به صورت نسخه خطی باقی مانده و تنها چند فرمان از این اثر توسط عبدالحسین نوایی در کتاب اسناد و مکاتبات تاریخی ایران تصحیح شده و به چاپ رسیده است (نوایی، بی تا: ۳۸۱-۳۶۵). همچنین گوتفرد هرمان چند فرمان تاریخی را به زبان آلمانی تصحیح و ترجمه کرده است (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۹۲). قزوینی نیز در بیست مقاله از این نامه‌ها به عنوان اسناد مهم تاریخی درباره زندگی استاد بهزاد نام برده که برای معرفی حال و شناخت تاریخ زندگانی وی اهمیت و اعتبار دارد (قزوینی، ۱۳۶۳: ۲۷۳-۲۶۸). با وجود این، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی راجع به این اثر و خصوصیات و ویژگی‌های آن انجام نشده و تنها در مقدمه تألیفات خواندمیر، ذیل عنوان آثارش، اشارات کوتاهی به نامه نامی شده است. در مقاله‌ای نیز به قلم عبدالحی حبیبی با عنوان «خواندمیر هروی» و مقاله دیگری با عنوان «خواندمیر»، نوشته عباس جداری کریمیان، اشارات کوتاهی به نامه نامی شده است (جداری کریمیان، ۱۳۸۹: ۷۹ و حبیبی، ۱۳۲۴: ۳۵۱).

روش تحقیق

در این پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری اطلاعات زندگانی خواندمیر و خاندان او و همچنین معرفی نامه نامی و نسخه‌های در دسترس آن پرداخته‌ایم.

زندگی خواندمیر

غیاث الدین بن همام الدین محمد، مشهور به خواندمیر، یکی از پرکارترین و پرآوازه‌ترین نویسندگان و مورخان شیعی ایرانی در دوران تیموری و صفوی است. در برخی از منابع زندگانی وی، نام دقیق وی غیاث الدین بن همام الدین گفته شده است. تولد او محققاً بین سال‌های ۸۸۰ و ۸۸۱ هـ. ق اتفاق افتاده است چه به تصریح خود او موقعی که درمشخان به جای امیرخان به حکومت کل خراسان می‌رسد و کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی وزیر او وارد خراسان می‌شود، سنش هفت یا هشت مرحله از چهل تجاوز کرده بود. چون کریم الدین ساوجی در سال ۹۲۸ هـ. ق به خراسان آمده است، شکی باقی نمی‌ماند که خواندمیر در سال ۸۸۰ یا ۸۸۱ هـ. ق متولد شده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۳).

پدر او خواجه همام الدین محمد، مدتی در دستگاه میرزا سلطان محمود (متوفی ۹۰۰ هـ. ق) فرزند سلطان ابوسعید گورکان، پادشاه ماوراءالنهر وزارت داشت. مادرش دختر میرخواند صاحب روضه الصفا بود. (خواندمیر، ۱۳۳۲: ۶). البته در کتاب مجالس النفایس امیر علیشیر نوایی از خواندمیر به عنوان خواهرزاده میرخواند یاد شده است (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۳۶). همچنین مولف عرفات العاشقین به اختلاف نظر درباره پدر خواندمیر اشاره کرده و گفته خود خواندمیر را که در حبیب السیر پدرش را همام‌الدین امیر خواند بن خاوند شاه معرفی کرده نقل کرده است (اوحدی بلیانی، ۱۳۲۲: ۱۳۸۹). دایی او نظام‌الدین سلطان احمد از مردان معروف و نامی قرن نهم هجری بوده است (جداری کریمیان، ۱۳۸۹: ۷۹). از اشارات خواندمیر در نوشته‌هایش پیداست که خاندان میرخواند به پرهیزگاری و دانش معروف بوده‌اند و خواندمیر نیز

تحت توجهات جدّ مادری خود رشد کرد و به علم و ادب به ویژه تاریخ توجهی شایان از خود نشان داد و در تاریخ‌نگاری از سرآمدان روزگار خود شد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۷۶).

خواندمیر از جمله مؤلفان مشهور و معروف دوران تیموری و آغاز عهد صفوی است. وی به علت کثرت تألیفات از جمله مؤلفان پرکار است و کتاب هایش به علت سادگی و روانی انشاء شهرت و رواج بسیار یافت (خبرزاده، ۱۳۷۰: ۲/ ۴۵). وی در سال ۹۰۴ هـ. ق، مورد توجه و عنایت امیر علیشیر نوایی، وزیر معروف هرات گرفت و به او اجازه داده شد تا از کتابخانه آن وزیر دل‌آگاه استفاده کند. وقتی امیرعلیشیر نوایی به استعداد این جوان پی برد او را به خدمت خود خواند. او در این زمان بیش از ۲۴ سال نداشت و پس از ۶ ماه، مندرجات کتاب خلاصه‌الخبار را از کتابخانه امیر علیشیر نوایی استخراج کرد. این کتاب ظاهراً دومین اثر اوست که آن را به نام مخدوم خود امیر علیشیر نوایی تألیف کرد (خواندمیر، ۱۳۵۵: ث).

خواندمیر پس از مرگ بابر در سال ۹۲۷ هـ. ق نزد پسرش همایون شاه مقرب گردید. در سال ۹۴۱ هـ. ق، همایون ضد بهادر شاه، حاکم گجرات، لشکر کشید و در این سفر خواندمیر را با خود برد. سرزمین خشک و گرم گجرات هند و نیز مشکلات طول راه، خواندمیر سالخورده را متأثر و بیمار کرد و به نوشته همه تذکره‌نویسان وی در همان سال درگذشت اگرچه تاریخ نگار اکبرشاه (۱۰۱۴ هـ. ق) بر این عقیده است که خواندمیر در سال ۹۴۲ هـ. ق از دنیا رفته است زیرا ماده تاریخ «شهاب ثاقب» که آن را در مرگ شهاب‌الدین معمایی ساخته، با سال ۹۴۲ هـ. ق برابر است. پس از مرگ وی، بنابر وصیت خودش جنازه او را به دهلی بردند و در جنب مزار خواجه نظام الدین اولیا به خاک سپردند (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۲۷).

از خواندمیر دو پسر بر جای ماند: یکی، محمود که هیچ گاه به هند مسافرت نکرد و مانند پدر و جدش از مورخان بزرگ به شمار می رود و کتابی به نام تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول نوشته و در آن از روزگار صفویان سخن گفته است (صفا، ۱۳۷۳: ۵۴۲/۴). وی به تشویق و ترغیب محمدخان اشرف‌الدین اوغلی، از سران ایل تكلو که در هرات حکومت می کرد، این کتاب را به سال ۹۵۳ هـ. ق آغاز کرد و چهار سال بعد در سال ۹۵۷ هـ. ق به پایان رسانید (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۲۰). دوم، پسر کوچک خواندمیر، سید عبدالله که با پدر به هند رفت. او از خردسالی به دربار جلال الدین اکبر، امپراطور مغولی هند راه جست و نزد او پرورش یافت. از سال نهم سلطنت جلال الدین اکبر وارد خدمت نظام شد و تا پایان عمر وی در همان مقام باقی ماند (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۲۷). اکبر به او لقب خانی داد و به سید عبدالله خان مشهور شد و در سال ۹۹۶ هـ. ق در ولایت کشمیر فوت کرد (نوایی، ۱۳۷۹: ۱۸).

آثار خواندمیر

خواندمیر از آغاز جوانی تا هنگام مرگ، حدود چهل سال زندگی خود را وقف نویسندگی کرد در حالی که چندان در شرایط مناسب و مطلوبی نبود. در طی این دوران، آثار گوناگون و مهمی که موضوع آن‌ها بیشتر درباره تاریخ است، از خود به یادگار گذاشت و هرگاه فرصت و فراغتی می یافت. در آثار خود تجدید نظر می کرد. آثار او عبارتند از:

۱- مآثر الملوك:

این کتاب در سال ۹۰۳ هـ. ق یا قبل از آن، به تشویق امیر علیشیر نوایی نوشته شد و شامل حکایت‌هایی درباره

مقررات مملکتی و امور خیریه است. وی این اثر را به امیر علیشیر نوایی تقدیم کرده است (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۱).

۲- خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخیار:

این کتاب پس از مرگ میرخواند به درخواست امیر علیشیر نوایی با موضوع تاریخ عمومی در یک مقدمه و ده مقاله و یک خاتمه به رشته نگارش درآمده است. به نظر الیوت، احتمالاً این کار خلاصه ای از روضه الصفا باشد. حتی احتمال داده شده است که این کتاب، طرح اولیه کتاب حبیب السیر باشد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۳۷۱).

۳- دستور الوزرا:

این اثر در شرح حال وزرای خلفای اسلام و سلاطین ایران است و جنبه شرح حال نگاری دارد که خواندمیر این کتاب را به نام خواجه کمال الدین محمود، یکی از وزیران سلطان حسین بایقرا نوشته است (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۰).

۴- مکارم الاخلاق:

این کتاب نخستین اثر خواندمیر است که به سلطان حسین بایقرا تقدیم شده و هدف اصلی خواندمیر در این کتاب قدردانی از امیر علیشیر نوایی و جاودان ساختن نام نیک اوست (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۳۱).

۵- جلد هفتم روضه الصفا:

هنگامی که میرخواند در سال ۹۰۳ هـ ق درگذشت، خواندمیر کار او را ادامه داد. بدین ترتیب، دیگر بخش‌های کتاب روضه الصفا از نوشته‌های خواندمیر است که آن را از کتاب حبیب السیر نقل کرده و بر جلد هفتم روضه الصفا افزوده است. این کتاب به نام تکمله روضه الصفا نیز شهرت دارد (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۳۷۳).

۶- حبیب السیر فی اخبار افراد بشر:

خواندمیر به تشویق امیر محمد میر یوسف به تألیف کتاب بزرگی در تاریخ مشغول شد و در ربیع الاول ۹۳۰ هـ ق آن را به اتمام رسانید (خواندمیر، ۱۳۵۵: الف). این کتاب به علت اشتغال بر قصص انبیا و احوال عده ای از رجال دوره اسلامی «آثار الملوك و الانبياء» نیز نامیده شده است (صفا، ۱۳۷۳: ۵۴۵/۴).

۷- منتخب تاریخ و صاف یا منتخب التواریخ:

خواندمیر از این کتاب که ظاهراً از بین رفته است، در مقدمه حبیب السیر یاد می‌کند. درست نمی‌دانیم که این انتخاب او از کتاب تجزیه الامصار و ترجمیه الاعصار و صاف الحضرة چگونه صورت گرفته بوده و خواندمیر چه قسمت‌هایی از آن را حذف کرده و چه قسمت‌هایی را باقی گذاشته بوده است (نوایی، ۱۳۷۹: ۲۷).

۸- همایون‌نامه یا قانون همایونی:

یکی دیگر از آثار خواندمیر، همایون‌نامه است که در سال ۹۳۷ هـ ق درباره همایون، از پادشاهان دودمان تیموری هند، به رشته نگارش درآمده و به او تقدیم شده است. خواندمیر پس از نوشتن این اثر به امیر الاخبار ملقب شد (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۹۰).

۹- نامه نامی:

این کتاب چنان که خواندمیر در اوایل آن تصریح می‌کند، وقتی که سنین عمر او میان چهل و شش و چهل و هفت بوده، به انجام رسیده است. نامه نامی مشتمل است بر یک مقدمه در تاریخ انشا و اصول و قواعد آن و هشت فصل به شرح زیر:

فصل اول در مراسلات سلاطین و امرا و وزرا، فصل دوم در مراسلات شیوخ و علما و قضات، فصل سوم در مراسلات حکام و مأمورین، فصل چهارم در مراسلاتی که خطاب به محترفه و پیشه‌وران است، فصل پنجم در مراسلات به خویشان و دوستان، فصل ششم مراسلات تهنیت، فصل هفتم در مراسلات تعزیت، فصل هشتم در مراسلات متفرقه، فصل نهم در تحریر مناشیر و خاتمه در ذکر یک عده رباعی و قطعات منظوم از خود مؤلف برای گنجاندن در مراسلات و معمیات و ماده تاریخ‌ها. نامه نامی مشتمل بر بعضی اسناد تاریخی و مراسلات رسمی بسیار مهم است (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۲۸).

اهمیت نامه نامی

موضوع نامه نامی چگونگی نامه نگاری و شیوه نوشتن و نمونه مکاتباتی است که در عصر مؤلف رواج داشته و ظاهراً برای آن نگاشته شده است تا دبیران و نویسندگان نامه های دولتی و غیر دولتی و عامه مردم در هر طبقه‌ای که هستند، نمونه‌هایی در هر موضوع داشته باشند و بتوانند با توجه به این نمونه ها، نامه‌های خویش را به نگارش در آورند. علاوه بر این، این اثر از جنبه های زیر نیز دارای اهمیت است:

۱- از لحاظ ادبی: این کتاب نمونه انشای فارسی در قرن نهم و دهم هـ ق و نمونه ای از نثر منشیانه و مسجع آن دوره به شمار می آید و می تواند برای مقایسه بین شیوه های مختلف انشای فارسی در دوره‌های مختلف، مورد استفاده ادب دوستان و علاقمندان قرار بگیرد.

۲- از لحاظ تاریخی: نامه نامی، بیانگر حوادث و رویدادهای تاریخی اواخر دوران تیموری و اوایل دوران صفوی است. خواندمیر علاوه بر این که منشی چیره‌دستی در دربار حاکمان گوناگون بوده، توانسته است مورخی موفق باشد و حوادث تاریخی آن دوران را نیز در نامه نامی منعکس کند. وی حتی گاهی خود در این رویدادهای تاریخی دخیل بوده و نقش ایفا می‌کرده است. مصداق این سخن، شرکت او در جنگ مرل است که این کار را می‌توان به دلیل یکی از وظایف منشیان در جنگ دانست زیرا می بایست دبیری همراه سپاه اعزام شود تا گزارش های لازم را برای امیر ارسال کند (واحد، ۱۳۷۸: ۱۲۸). اهمیت نامه نامی از حیث تاریخی و برتری این مضمون تا بدانجاست که ادوارد براون خواندمیر را در سلسله مورخان معرفی کرده است (براون، ۱۳۳۹: ۳ / ۶۲۸-۶۲۷).

۳- از لحاظ ساختاری: با توجه به تقسیمات ساختاری و بافت بیرونی نامه‌ها، نامه نامی در بردارنده نامه هایی با موضوعات اخوانیات، منشورها، فتح نامه، تعزیت نامه ها و... است (رک: قوام و همکاران: ۱۳۹۱: ۴۹).

۴- ماده تاریخ ها: یکی از بخش های مهم این کتاب، ماده تاریخ‌های آن است از جمله ماده تاریخ وفات سید امیرحسین معمایی:

مظهر خلق حسن میر حسین	سید فاضل فرخنده صفات
کرد رحلت به سوی خلد برین	یافت از حادثه دهر نجات
نور رحمت چو بر او نازل شد	نور رحمت شودش سال وفات
	(خواندمیر، بی تا: ۱۴۸ الف)

تاریخ وفات امیرعلیشیر:

جناب امیر هدایت پناهی	علیشیر سرو ریاض معانی
شد از خارخار جهان سوی باغی	چو نازل شد انوار رحمت به رویش
که ظاهر ازو گشت آثار رحمت	که آنجا شکفته ست گلزار رحمت
که شد از عدالت سزاوار رحمت	بجو سال فوتش ز انوار رحمت

(خواندمیر، بی تا: ۱۴۸ الف)

۵- اعلام تاریخی: نامه نامی علاوه بر ارزش و اهمیت ادبی که در زمینه ترسل و انشا دارد، دربردارنده اطلاعات مهمی درباره اعلام تاریخی مهمی است که برای نمونه به چند مورد از آن ها اشاره می شود:

۱-۵- سلطان حسین بایقرا آخرین پادشاه تیموری که از سال ۸۷۳ ه.ق تا ۹۱۱ ه.ق، بر قسمتی از ماوراء النهر و خراسان و گرگان سلطنت می کرد (نوایی، ۱۳۷۹: ۱۹).

۲-۵- امیر نظام الدین علیشیر نوایی که منصب مهربرداری سلطان حسین بایقرا را داشت و تا سال ۹۰۶ ه.ق که سال مرگ اوست، شخص اول دربار سلطان حسین بایقرا بود و تا حدودی واضع ادبیات ترکی جغتایی است. دیوان اشعار وی به ترکی و فارسی مشهور است و آثار زیادی در زمینه ادبیات دارد که از جمله مهمترین آن ها می توان به خمسه المتحیرین و مجالس النفایس اشاره کرد (نوایی، ۱۳۶۳: و-ط).

۳-۵- بدیع الزمان میرزا آخرین پسر سلطان حسین بایقرا که به طوری که از مجالس النفایس و تحفه سامی برمی آید مانند پدر در شعر و نثر دست داشته و از اشعار او چند بیتی در تحفه سامی آمده است. این شاهزاده بسیار شجاع و دانا بود و پس از شکست های متعدد در جنگ هایش به هند رفت. پس از دو سال اقامت در هند دوباره به همراه شاه اسماعیل به آذربایجان رفت و پس از جنگ چالدران در سال ۹۲۰ ه.ق، همراه سلیم به استانبول آمد و در آنجا پس از چهار ماه به مرض طاعون مبتلا شد و مرد (نوایی، ۱۳۷۹: ۲۰).

۵- اشعار: در لفظ دوم از خاتمه کتاب، در ایراد معماها و تواریخ وقایع، اشعاری از خواندمیر نقل شده است اما غیر از این ماده تاریخ ها و مراثی، اشعار زیادی از وی هست که در آغاز نامه ها و بین نامه ها به مقتضای کلام و بیان سروده شده است و بسیاری از این اشعار با موضوع مناسبت و سنخیت دارند. گلچین معانی از اشعار نامه نامی با عنوان شهر آشوب یاد می کند (گلچین معانی، ۱۳۴۶ الف: ۳۱).

یکی دیگر از نکات قابل ذکر کتاب این است که خواندمیر هرجا از اشعار شاعران دیگر استفاده کرده، به آن ها اشاره نموده و اگر شاعر را نمی شناخته، اشعار را با عبارت هایی مثل لا ادری قائله، لواحد من الشعرا و... مشخص کرده است. همچنین وی از شعر شاعرانی مثل حافظ، سعدی، نظامی، کمال اسماعیل، سلمان ساوجی و سیفی بخاری استفاده کرده است که نمونه ای از آن ها ذکر می شود:

انوری:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود	یکی چنان چه در آینه تصور ماست
	(خواندمیر، بی تا: ۵۰ ب)

نظامی:

الهی تا بود افلاک و انجم	مبادا نام نیکش از جهان گم
	(خواندمیر، بی تا: ۱۰ ب)

سیفی بخاری:

دو رود گشته روان از دو چشم تر ما را به یاد قامت سرو درودگر ما را
(خواندمیر، بی تا: ۶۴ الف)

اشعار بخش رباعیات و مقطعات نیز شامل ۲۳۴ بیت است که نمونه ای از آن‌ها ذکر می‌شود:

تا چند ستم کشند ارباب هنر تا کی ز جفای دهر یابند ضرر
از اوج شرف بر آی ای اختر بخت وی بخت به خشم رفته باز آی دگر
(خواندمیر، بی تا: ۱۴۲ الف)

دیدار تو شاد کرد یک چند مرا وز هجر تو غم ز پا در افکند مرا
دور از تو به مردن شده بودم نزدیک خط تو رسید، کرد خرسند مرا
(خواندمیر، بی تا: ۱۴۴ الف)

هر چند فلک بر سر کین و ستم است و آیین وفا و مهر بسیار کم است
خواهم نکند خلاف هر وعده که کرد آن کس که ز خاندان اهل کرم است
(خواندمیر، بی تا: ۱۴۱ ب)

۶- استفاده از صنایع بدیعی لفظی و معنوی از قبیل جناس، سجع، تضمین، تشبیه، استعاره، کنایه و... آیات و احادیث و امثال فارسی و عربی از دیگر ویژگی‌های نامه نامی است. در این اثر کاربرد آیات و احادیث به گونه‌ای است که اگر از متن حذف شوند جملات و معانی آن دچار نقصان و کاستی می‌شود.

- سجع: از آرایه‌های پرکاربرد در این اثر، انواع سجع است. در این جا به ذکر نمونه‌هایی از هر مورد بسنده می‌کنیم:

سجع متوازی: «محب با محبوب همراز گشته و عاشق با معشوق دمساز آمده» (خواندمیر، بی تا: ۲۲۶ س ۳).

سجع مطرّف: «روز حیات دلیران را به شام ممات تبدیل داده» (خواندمیر، بی تا: ۳۰۶ س ۱۰).

- جناس: از آرایه‌های دیگری که در این اثر بسامد بالایی دارد، جناس است که از انواع مختلف آن نمونه‌هایی می‌توان یافت.

جناس تام: «صدور منشرح صدور فضیلت نمای» (خواندمیر، بی تا: ۲۷۱ س ۹).

جناس لفظ: «دود آتش آه چون علم الم بر آسمان افراخت» (خواندمیر، بی تا: ۱۵۲ الف).

«وزر و وبال عاجلاً و آجلاً چه درجه خواهد داشت» (خواندمیر، بی تا: ۲۷ س ۸).

جناس زاید: «شاهین سرعت آیین خامه به بال استعجال ساحت مساحت آن را طی تواند نمود» (خواندمیر، بی تا: ۴۲ س ۱۴).

- طرد و عکس و تضاد: «صبح را به عیوق و عیوق را به صبح پیوسته» (خواندمیر، بی تا: ۹۳ الف).

- تضمین آیه: این صنعت از جمله آرایه‌هایی است که بسیار مورد توجه خواندمیر بوده است و در نامه نامی دارای بسامد بالایی است.

«به طراز اعزاز قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون مطرز و مزین [زمر، ۹]» (خواندمیر، بی تا: ۲۱۱ س ۷).

- حل حدیث: «حدیث صحیح من الرّمی فلیس منّا بر عظمت شأن اصحاب قبضه و تیراندازان دلیلی واضح و

برهانی لایح است» (خواندمیر، بی تا: ۱۱۸ س ۲).

- استعاره: «پنجه زورمند فراق دست بخت این مشتاق را چنان برتافته است که...» (خواندمیر، بی تا: ۱۳۴ س ۴).
- کنایه: در مقایسه با مجاز نویسنده بیشتر از کنایه استفاده کرده است. حتی گاهی کنایه سازی می کند به شکلی که برخی کنایات خاص خود اوست مانند «پیمودن آب دریا به مشت و استیفا نمودن ریگ صحرا به انگشت» (خواندمیر، بی تا: ۲۲۴ س ۷-۶).

- ضرب المثل: «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد» (خواندمیر، بی تا: ۱۴ ب).
- آوردن امثال بدون ترجمه: «تمام امرای عظام، کعبه جمیع طوایف انام، به موجب کلمه کریمه الناس علی دین ملوکهم عمل می نمایند» (خواندمیر، بی تا: ص ۴۳ ب).

ماده تاریخ اختتام نامه نامی

خواندمیر ماده تاریخی منظم برای زمان تألیف این اثر ساخته و آن عبارت «منشآت لطیفه» است:

منشآت لطیفه را مظهر	شکر ایزد که گشت این نامه
شد ز فیض قلم پر از گوهر	جیب و دامن این خجسته رقم
قلم از اهتمام پا از سر	ساخت در ساحت سخنرانی
داد از حسن اهتمام خبر	تا به پایان رسید این نامه
<u>منشآت لطیفه را بشمر</u>	گر تو خواهی زمان تألیفش
(خواندمیر، بی تا: ۳۴۲ س ۱۸)	

نسخه های نامه نامی

۱. نسخه کتابخانه مینوی

این نسخه به شماره ۳۴۶۲ ضمن مجموعه ای در کتابخانه مرحوم مینوی موجود است که محتوی نامه نامی، رقعات نصیرا و ثمره الفواد یا نوباه لاهوری است.

این نسخه در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۰۹۳ هـ. ق، توسط ابوالمکارم در ۲۰۵ صفحه نوشته شده است. نسخه با عبارت «بسم الله، ای حمد تو دیباچه منشور کمال» شروع می شود و انجام آن با عبارت «اللهم اغفر لکاتبه و صاحبه مع آباء و امهاتها و لمن نظر فیه و جمیع المؤمنات» است (افشار و دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۶/ ۶۷۹).

ویژگی های مهم رسم الخطی نسخه عبارتند از:

- ۱- حذف «الف» فعل «است»
- ۲- چسباندن حرف اضافه «به» به اسم پس از آن
- ۳- حرف "گ" بدون سرکش نوشته شده است.
- ۴- صفات مرکب در بیشتر موارد متصل به هم نوشته شده است (مثل عالیمکان: عالی مکان).
- ۵- حرف «آ» در کلمه آن در بیشتر موارد بدون سرکش آمده است.
- ۶- در ترکیب های اضافی که مضاف، مختوم به های غیر ملفوظ است یای میانجی به کار نرفته است. مثل پرده موافقت.

۷- «می» استمرار در همه موارد به فعل چسبیده است.

۲- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۱۷

این نسخه به شماره ۳۱۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. نسخه به خط نستعلیق در تاریخ ۱۲۰۷ هـ. ق نوشته شده است. نوع کاغذ آن کبود با جلد تیماج مشکی ضربی نو ربعی است. نام کاتب مشخص نیست. در یک عنوان و نه سطر و یک تتیم و هر یک چند لفظ.

نسخه با عبارت: «بسمله، لفظ اول از عنوان این نامه بر ذکر خاتم مناسب بوده» شروع می‌شود و انجام آن با عبارت «در بسیط زمین فرمان ممهد و مبسوط باشد» است (افشار و دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۵۳۱/۶).

ویژگی‌های مهم رسم الخطی نسخه عبارتند از:

۱- اکثر کلمات مشدد عربی بدون تشدید هستند.

۲- «می» استمرار در همه موارد به فعل چسبیده است.

۳- پیشوند «بی» صفت‌ساز به کلمه پس از خود چسبیده است.

۴- ضمیر اشاره آن در همه موارد به کلمه پس از خود چسبیده است.

۵- حرف گ بدون سرکش نوشته شده است.

۳- نسخه آستان قدس رضوی

این نسخه به شماره ۷۰۷۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است. تعداد اوراق نسخه ۹۷ برگ است و به خط نستعلیق توسط احمد بن حسن علی اسفادی در تاریخ سه شنبه ۲۴ شوال ۱۰۲۴ هـ ق نوشته شده است (گلچین معانی، ۱۳۴۶ ب: ۷/ ۸۷۴).

نسخه با این بیت شروع می‌شود:

ز احسان تو چین صورت ندید»

«بشر گشت از محض جودت پدید

انجام آن با ماده تاریخ تألیف کتاب است:

منشآت لطیفه را بشمر»

«گر تو خواهی زمان تألیفش

ویژگی‌های مهم رسم الخطی نسخه عبارتند از:

۱- صفات مرکب گاهی متصل به هم و گاهی جدا نوشته شده است.

۲- حذف الف اسم اشاره «این» پس از حروف اضافه در و بر

۳- چسباندن حرف اضافه «به» به اسم پس از آن در همه موارد

۴- در بیشتر موارد در حالت اضافه، «های» غیرملفوظ کرسی یای میانجی قرار گرفته است.

۴- نسخه کتابخانه ملک

این نسخه با شماره ثبت ۳۷۸۸ در این کتابخانه موجود است. کاتب محمدعلی بن محمد شفیع آشتیانی است که این نسخه را در سال ۱۲۹۹-۱۲۹۸ به خط نستعلیق شکسته به رشته تحریر در آورده است. نوع کاغذ آن فرنگی با جلد میشن تریاکی است. نسخه در ۲۲۰ برگ و هر برگ ۱۸ سطر و ۴۳۷ صفحه نوشته شده است. آغاز نسخه با لفظ اول از عنوان... و انجام آن افتاده و نامشخص است (افشار و دانش پژوه، ۱۳۶۹: ۴۷/۷-۴۱).

۵- نسخه مجموعه حسین مفتاح

این نسخه به شماره ۱۳۰۷ در این مجموعه وجود دارد. کاتب نامشخص و تاریخ کتابت سده دهم و به خط نستعلیق است. صفحات آغاز و انجام نسخه افتاده است. جلد خشتی ربعی است (افشار و دانش پژوه، ۱۳۵۳: ۷/ ۳۰۴).

۶- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه با شماره ۹۶۶۷، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. نسخه به خط نستعلیق بدون نام کاتب و بدون تاریخ کتابت است. تعداد اوراق آن ۱۷۰ برگ است که از برگ ۱۴۸ به بعد، نامه و منشآت قاضی محی الدین را شامل می‌شود. در آغاز نسخه، یادداشت تملک از مهدی قلی و یادداشت دیگری درباره کتاب و مؤلف به خط سعید نفیسی آمده است. با توجه به نوع خط کتابت نسخه، احتمالاً تاریخ کتابت آن مربوط به قرن های یازدهم و دوازدهم است. این نسخه در تصحیح نامه نامی به عنوان نسخه اساس مورد استفاده قرار گرفته است (ر. ک. دانش پژوه و علمی انواری، ۱۳۴۸: ۴۱/۳۱).

ویژگی های مهم رسم الخطی نسخه عبارتند از:

۱- حذف «الف» فعل «است».

۲- در واژگان مختوم به مصوت بلند «آ» در حالت اضافه، با همزه، ارتباط مضاف و مضاف الیه برقرار گردیده است.

۳- چسباندن حرف اضافه «به» به اسم پس از آن.

همزه های پس از «الف» نیز که به حرف «ت» می چسبد و ما امروز به شکل «ت» می نویسیم، بدون کرسی همزه به صورت «ء ت» آمده است.

۴- حذف الف اسم اشاره «این» پس از حرف اضافه «در». مثل «درین».

۵- نوشتن کلمه زیاد به صورت زیاده.

۶- صفات مرکب در بیشتر موارد جدا نوشته شده است مثل عالی شأن و صواب نمای.

۷- حرف گ بدون سرکش نوشته شده است.

۸- املائی کلمات به شیوه ای قدیمی که امروز در زبان معیار غلط املائی محسوب می شوند مثل رقبت و طاب.

۹- عدم رعایت واو معدوله در فعل خواستن که در زبان امروز به دو صورت خواستن و خاستن با دو معنی متفاوت به کار برده می‌شود.

۷- نسخه کتابخانه بنیاد خاورشناسی دوشنبه

این نسخه به شماره ۷۵۷ در کتابخانه بنیاد خاورشناسی شهر دوشنبه نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت نسخه سال ۱۰۶۴ و بدون نام کاتب است (دانش پژوه، ۱۳۵۸: ۲۱/۱۱).

۸- نسخه اول دانشگاه لس آنجلس

این نسخه به شماره ۵۹۵m در کتابخانه نسخه های فارسی دانشگاه لس آنجلس موجود است. تاریخ کتابت سده دهم و به خط نستعلیق است و نیمه دوم کتاب افتاده است (دانش پژوه و حاکمی، ۱۳۶۲: ۱۱/ ۸۷).

۹- نسخه دوم دانشگاه لس آنجلس

این نسخه به شماره ۵۸۵m در کتابخانه نسخه‌های فارسی دانشگاه لس‌آنجلس وجود دارد. تاریخ کتابت سده ۱۱ و به خط نستعلیق است. آغاز و انجام نسخه افتاده است (دانش پژوه و حاکمی، ۱۳۶۲: ۱۱/۸۷).

۱۰- نسخه کتابخانه ابوریحان بیرونی تاشکند

این نسخه به شماره ۱۸۸۲ در کتابخانه ابوریحان بیرونی بنیاد خاورشناسی فرهنگستان علوم آذربایجان در شهر تاشکند موجود است. نسخه به خط نستعلیق در سده ۱۱ و ۱۰ و عنوان شنگرف و جلد ربعی نوشته شده است (دانش پژوه، ۱۳۵۸: ۹/۱۵۹).

۱۱- نسخه اول فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان

در مجموعه نسخه‌های خطی فارسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان سه نسخه از نامه نامی با شماره‌های متفاوتی وجود دارد که نسخه اول به شماره ۴۵۲۸ دارای ۲۰۳ برگ است. تاریخ کتابت قرن ۱۲ هـ ق است و انجام و آغاز نسخه افتاده است (سیموئوف، ۱۳۷۵: ۲۶۸/۵).

۱۲- نسخه دوم فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان

این نسخه به شماره ۸۰۱ در اندازه ۲۲×۱۴ س م با ۲۲۰ برگ است. تاریخ کتابت سده ۱۰ هـ ق است. (سیموئوف، ۱۳۷۵: ۳۱/۵)

۱۳- نسخه سوم فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان

این نسخه به شماره ۲۸۶/۳ و با اندازه ۲۴×۱۸ س م در سده ۱۱ هـ ق نوشته شده است (سیموئوف، ۱۳۷۵: ۳۰/۱).

۱۴- نسخه فرهنگستان علوم روسیه

این نسخه به شماره b۲۳۹۸ در موسسه خاورشناسی روسیه محفوظ است و آغاز آن افتاده است (آکیموشکین و همکاران، ۱۳۷۵: ۴۴۲)

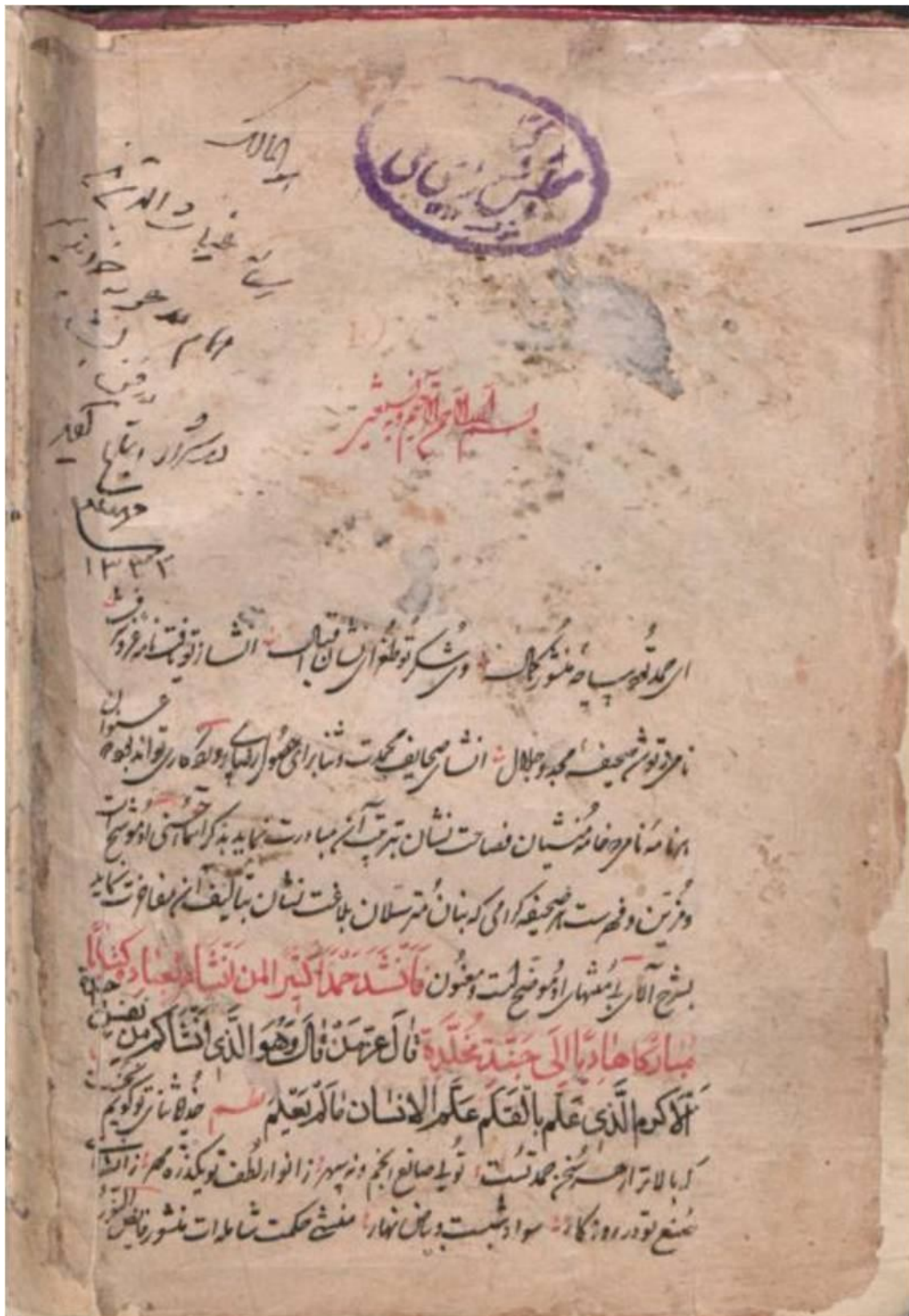
پنج نسخه دیگر از این اثر در سایت آقابزرگ بدین گونه معرفی شده است:

«تاشکند (۱:۴:۱۵۳ش ۳۶۲-۳۶۶ و ۱۸۲: ۵ ش ۳۷۱ و ۳۷۷) و دیوان هند (ش ۲۰۵۵) و آکادمی علوم آذربایجان (فهرست سلطانونف ۱۲۲۴) و لنینگراد (فهرست ص ۵۶۷ و ۵۸۱) و پاریس (ش ۲۳۳۷) و ملافیروز (فهرست رها تسک) و موزه بریتانیا، ش ۱۰۱۱۲ or و نشریه ۴: ۶۸۹ (فهرست اونس ص ۷۷)» (رک: www.Aghabozorg.ir).

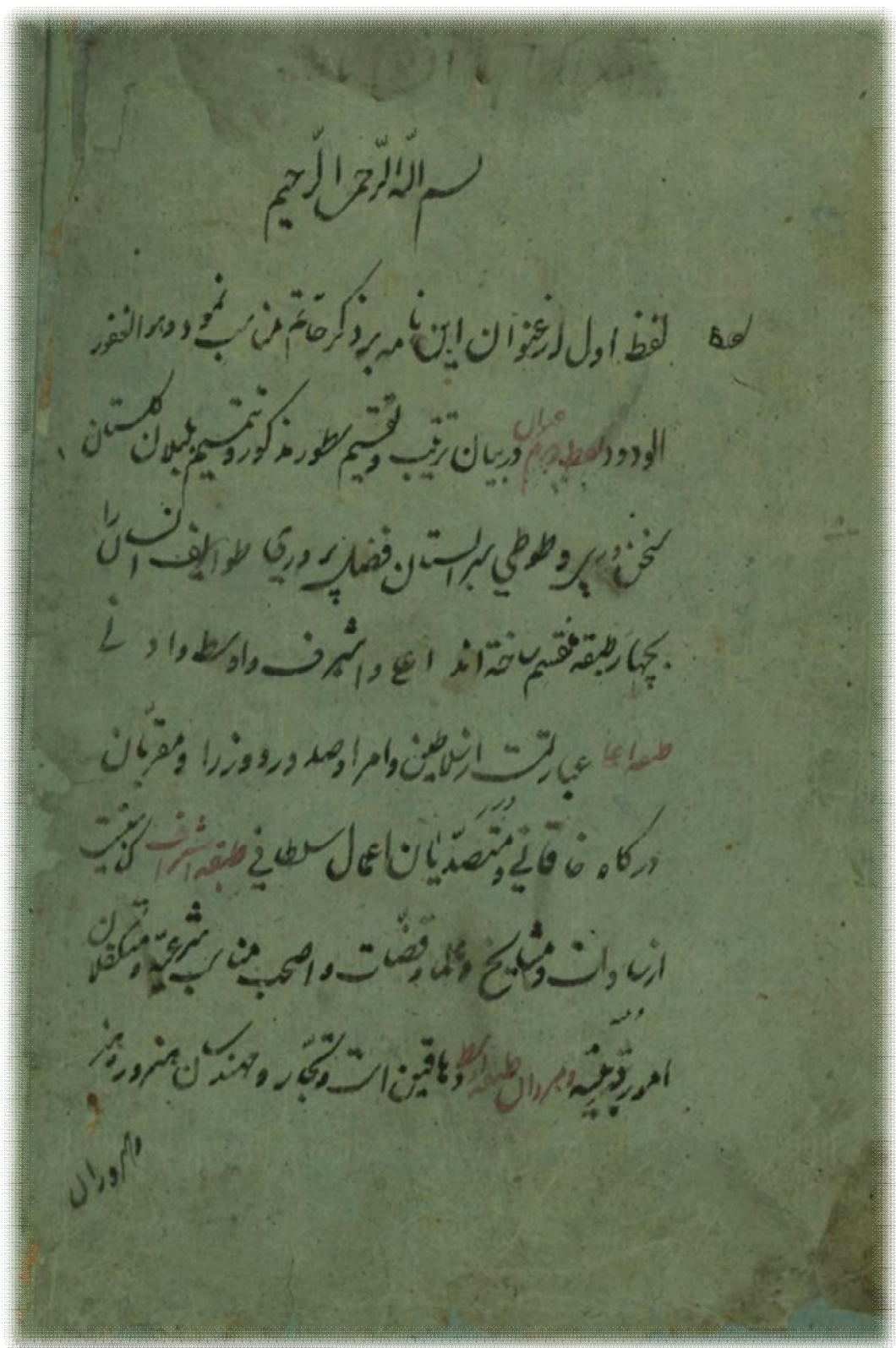
نتیجه

سبک نثر تیموری در اکثر متون این دوره رو به سهولت و سادگی است. این ویژگی را می‌توان در نامه نامی هم دید، هر چند نثر این اثر نیز همچون سایر آثار ترسلی این دوره گاهی مزین و مصنوع می‌شود. برخی ویژگی‌های این اثر عبارتند از: استفاده از کلمات ترکی مغولی، ترکیبات عربی، جملات دعایی، کثرت لغات و عبارات عربی، القاب و عناوین سرشار از تعارفات که متناسب با شغل و منصب و پایه اجتماعی فرد مخاطب است، استشهاد به آیات و احادیث، اشعار فارسی و گاهی عربی، کثرت واژگان دیوانی و واژه‌های احترام‌آمیز، وجه دعایی فعل فارسی هر چند بیشتر جملات دعایی عربی هستند، سجع‌پردازی و بهره‌گیری از انواع جناس، تشبیه، استعاره و... اقسام مختلف نامه‌ها از قبیل امثله، مناشیر، سلطانیات، اخوانیات، تسلیت نامه‌ها، فتح نامه‌ها، نشان‌ها و...

نامه نامی علاوه بر ارزش ادبی می‌تواند در زمینه‌های سیاسی و تاریخی مثل تاریخ جنگ‌ها، شناخت اماکن جغرافیایی، آشنایی با سایر حرف و موقعیت اجتماعی صاحبانشان در جامعه و... اطلاعات مفیدی در اختیار خوانندگان قرار دهد.







منابع

- ۱- آریان، قمر. (۱۳۶۲). کمال الدین بهزاد. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- ۲- آکیموشکین، اداف و همکاران. (۱۳۷۴). فهرست نسخه‌های خطی فارسی موسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه. ترجمه عارف رمضان. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۳- افشار، ایرج؛ دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸). نسخه خطی نشریه کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- ----- (۱۳۵۳). نسخه خطی نشریه کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- ----- (۱۳۶۹). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک. با همکاری احمد منزوی و سید محمد باقر حجتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد. (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح ذبیح الله صافکاری و آمنه فخر احمد. تهران: میراث مکتوب.
- ۷- براون، ادوارد. (۱۳۳۹). از سعدی تا جامی. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: ابن سینا.
- ۸- جداری کریمیان، عباس. (۱۳۸۹). «خواندمیر». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ش ۷۶: ۱۴۴.
- ۹- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۲۴). «خواندمیر هروی». آریانا، ش ۸-۷: ۳۵۷-۳۵۱.
- ۱۰- خبرزاده، علی. (۱۳۷۰). نثر پارسی در آئینه تاریخ. تهران: آموزش و پرورش انقلاب اسلامی.
- ۱۱- خطیبی، حسین. (۱۳۷۵). فن نثر در ادب فارسی. تهران: زوار.
- ۱۲- خواندمیر، غیاث الدین. (۱۳۳۳). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر. مقدمه جلال الدین همایی. تهران: خیام.
- ۱۳- ----- (۱۳۵۵). دستور الوزرا. تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- ۱۴- ----- (۱۳۷۰). تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی. تصحیح محمدعلی جراحی. تهران: گستره.
- ۱۵- ----- (۱۳۷۲). مآثر الملوک. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۶- ----- (۱۳۷۸). مکارم الاخلاق. تصحیح محمد اکبر عشیق. تهران: آئینه میراث.
- ۱۷- دانش پژوه، محمدتقی؛ علمی انواری، بهاء الدین. (۱۳۴۰). نسخه خطی نشریه کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- ----- (۱۳۵۸). نسخه خطی نشریه کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- -----؛ اسماعیل حاکمی. (۱۳۶۲). نسخه خطی نشریه کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرست واره دست نوشته‌های ایران. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ۲۱- سیمیونوف آ.آ. (۱۳۷۵). مجموعه نسخه خطی فارسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان. ترجمه عارف رمضان. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۲۲- شمشیرگرها، محبوبه. (۱۳۸۹). «سیری در ترسل و نامه نگاری». کتاب ماه ادبیات. ش ۷۲: ۸۱-۳۸.
- ۲۳- صفاء، ذبیح الله. (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- ۲۴- فراهانی منفرد، مهدی. (۱۳۸۱). پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۲۵- قزوینی، محمد. (۱۳۶۳). بیست مقاله. تهران: دنیای کتاب.
- ۲۶- قوام، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). «اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی و توصیف طبقه بندی گونه نامه‌ها». ادب. ش ۱: ۶۱-۴۹.
- ۲۷- گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۶ الف). شهر آشوب در شعر فارسی. مشهد: امیرکبیر.
- ۲۸- ----- (۱۳۴۶ ب). فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی. مشهد: انتشارات اداره کتابخانه آستان قدس رضوی.